

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، صفحات ۱۲۵-۱۴۶

**بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان
توسعه روستایی
مهرناز امین آقایی***

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۶/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۲/۷

چکیده

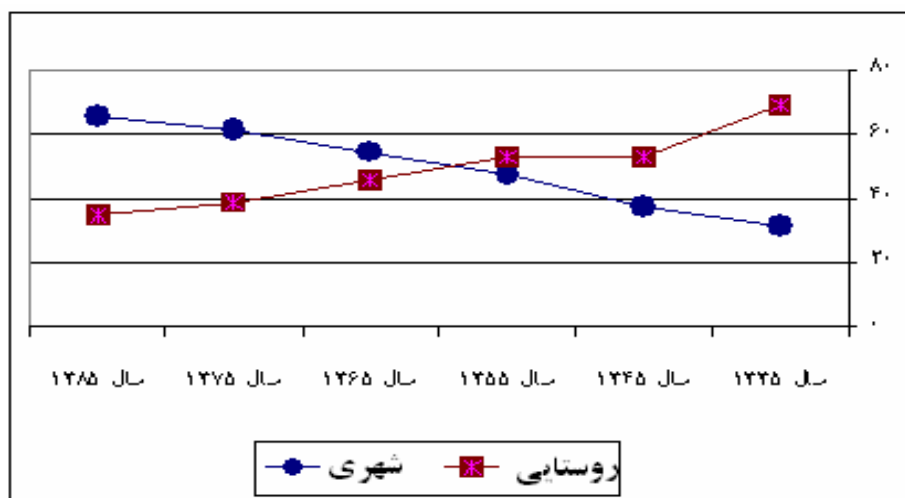
به رغم مزایای فراوانی که برای صنعتی شدن روستاها برشمرده شده است، وضعیت فعلی صنایع کوچک روستایی ایران نمی تواند جوابگوی نیروی کار مازاد بخش کشاورزی، تفاوت چشمگیر سطح رفاه روستا و شهر، عدم مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، و توسعه اقتصادی و اجتماعی در روستاهای ایران باشد. بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک روستایی ایران می تواند نکات مهمی را در زمینه دلایل عدم همسویی صنایع کوچک روستایی ایران با اهداف توسعه روستایی مشخص کند و روشنگر خطوط اساسی برنامه ریزی مدیران بنگاه ها و سیاستگذاری دولت باشد. در این مقاله عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک روستایی ایران به سه دسته عوامل ساختاری، زمینه ای و محتوایی دسته بندی شده است. سپس با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی به بررسی نظر کارشناسان توسعه روستایی ایران در زمینه میزان تأثیر هر یک از این شاخص ها بر عملکرد صنایع کوچک روستایی و اولویت بندی هر یک از آنها پرداخته می شود.

کلید واژه ها: صنایع کوچک روستایی / توسعه روستایی / کارشناسان توسعه روستایی.

* کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی (mehrnaz_aminaghaee@yahoo.com)

طرح مسئله

امروزه توسعه روستایی یکی از مباحث مهم در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، خصوصاً در کشورهای جهان سوم به شمار می‌رود. وجود منابع سرمایه‌گذاری در شهرها، جاذبه‌های شهری، تفاوت شدید بین تقاضای نیروی کار در بین شهر و روستا، و عدم جذب نیروی انسانی در روستاها سبب شده است تا شهرها تبدیل به قطب‌های توسعه شوند و دوگانگی شدیدی بین سطوح درآمد، آموزش، رفاه، اشتغال و غیره بین شهر و روستا به وجود بیاید. همین مسئله سبب مهاجرت روز افزون از روستا به شهر شده است. نمودار ۱ گویای روند افزایش جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی در طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ است.



نمودار ۱- نسبت جمعیت شهری و روستایی به کل جمعیت کشور
در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

منبع: مرکز آمار ایران

از آثار منفی مهاجرت در شهرهای بزرگ می‌توان به وجود شغل‌های کاذب، مختل شدن بخش کشاورزی، افزایش هزینه زندگی در شهرهای بزرگ، دزدی، فقر، فحشا و

غیره اشاره کرد. همچنین مهاجرت از روستا به شهر سبب بروز حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ می‌شود که یکی از عوامل ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در جامعه است. هدف نهایی همه فرآیندهای توسعه، رفاه انسان است. هدف راهبردهای توسعه روستایی نیز دستیابی به رفاه اجتماعی روستایی است. رفاه اجتماعی روستایی، فرآیندی مستمر، پویا و پایدار در راستای تواناسازی روستاییان از طریق دولت، نهادهای مردمی و سازمان‌های مسئول برای بهبود مستمر کیفیت زندگی روستایی است. در بسیاری از کشورها صرف زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و بهره‌وری ایجاد کند. بدین جهت باید به ایجاد اشتغال سودآور غیرزراعی نیز پرداخت تا تفاوت درآمد شهرنشینان و روستانشینان افزایش نیابد و مهاجرت روستاییان به شهر کاهش پیدا کند. در بین راهبردهای توسعه روستایی، راهبرد صنعتی کردن روستاها به عنوان یکی از راهبردهای مبتنی بر رویکرد اقتصادی، از عمده‌ترین روش‌های افزایش کیفیت زندگی به شمار می‌رود. در این راهبرد، توسعه کشاورزی در فرآیند توسعه روستایی حائز اهمیت است، اما در عین حال توسعه فعالیت‌های صنعتی روستایی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. اهداف عمده راهبرد صنعتی کردن روستاها را می‌توان این گونه برشمرد:

- ۱- ایجاد اشتغال غیرکشاورزی برای روستاییان بیکار یا نیمه‌بیکار؛
 - ۲- همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری؛
 - ۳- تقویت پایه‌های اقتصادی در مراکز روستایی؛
 - ۴- استفاده بیشتر از مهارت‌های موجود در مناطق روستایی؛
 - ۵- فرآوری تولیدات کشاورزی محلی؛ و
 - ۶- تهیه نهادهای اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی.
- اما نکته قابل توجه این است که بتوانیم مزایای توسعه صنعتی روستایی را به سمت روستاییان فقیر سوق دهیم. در صورتی که مزایای راهبرد صنعتی شدن روستاها با مزیت‌های صنایع کوچک تلفیق شود، می‌تواند نقش قابل توجهی در دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی توسعه روستایی داشته باشد. روی آوردن به رشد و گسترش

صنایع کوچک، زودبازده و کارآفرین به عنوان یکی از راه‌های توسعه اقتصادی طی سه دهه اخیر همواره مورد توجه کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه بوده است. نیاز به سرمایه اندک، بازدهی بالا و انعطاف پذیری صنایع کوچک، توجیه اقتصادی صنایع کوچک را بیش از پیش نمایان می‌کند.

صنایع کوچک روستایی از شروع برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲) مورد توجه قرار گرفت. حتی در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) به دلیل نقش گسترده اشتغال، توجه ویژه‌ای به مبحث کارشایسته شد که ظرفیت سازی برای اشتغال در واحدهای کوچک و متوسط و توجه به کارآفرینی را در زیر برنامه های خود دارد.

در زمینه صنایع کوچک روستایی ایران^(۱)، آمار کارآمد و قابل استنادی وجود ندارد. اما بررسی نتایج طرح آمارگیری از کارگاه های صنعتی با ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن در کل کشور نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ تعداد ۱۲۱۵۱ کارگاه به فعالیت صنعتی اشتغال داشته‌اند که نسبت به سال ۱۳۸۴ حدود ۰/۵ درصد کاهش دارد. بر اساس نتایج حاصله، بیشترین تعداد این کارگاه‌ها در تولید «محصولات کانی غیر فلزی» و کمترین تعداد کارگاه‌ها در تولید «محصولات توتون و تنباکو و سیگار» فعالیت دارند و همچنین بیشترین کارگاه‌های صنعتی به ترتیب در استان‌های تهران با ۳۲۹۲، اصفهان با ۱۸۰۷ و خراسان رضوی با ۱۰۳۶ کارگاه قرار دارند که حدود ۵۰ درصد از کل کارگاه های صنعتی ۱۰ تا ۴۹ نفر کشور را شامل می‌شوند.

بهره وری نیروی کار در بخش صنعت در سال ۱۳۸۵ برابر با ۸۸/۲ میلیون ریال و در سال ۱۳۸۴ برابر با ۷۴/۶ میلیون ریال بوده است که افزایش ۱۸/۱ درصدی را نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶).

همچنین نتایج طرح حاکی از آن است که تعداد شاغلان این بخش در سال ۱۳۸۵، ۲۶۶۵۷۸ نفر بوده که نسبت به سال ۱۳۸۴ حدود ۰/۰۴ درصد کاهش داشته است. با توجه به اینکه تعداد متقاضیان جدید کار در کشور ۸۰۰ هزار نفر در سال است و این

تعداد دائماً در حال افزایش است، کاهش تعداد شاغلان صنایع کوچک نشان می‌دهد که رشد صنایع کوچک نمی‌تواند جوابگوی تقاضای نیروی کار موجود در کشور باشد. صنایع تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی با تعداد ۶۵۶۷۰ نفر، صنایع مواد غذایی و آشامیدنی با ۴۶۷۷۷ نفر و صنایع تولید منسوجات با ۲۳۲۶۴ نفر کارکن، رتبه های اول تا سوم را در زمینه اشتغال به خود اختصاص داده اند. با وجود امتیازات چشم‌گیر و نقش مهم صنایع کوچک در توسعه اقتصادی، هنوز کشورمان نتوانسته است از ظرفیت‌های موجود در این صنایع بهره‌مند شود. در این تحقیق بر آنیم تا عوامل مؤثر بر موفقیت صنایع کوچک روستایی را از دید کارشناسان توسعه روستایی ایران بررسی و اولویت‌بندی کنیم.

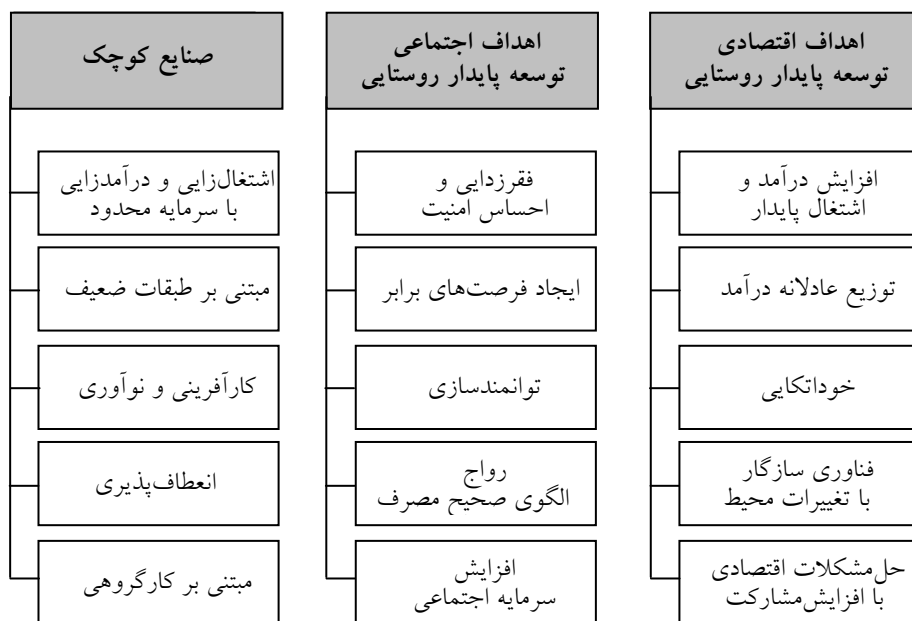
قابلیت‌های صنایع کوچک روستایی در جهت اهداف اقتصادی و اجتماعی توسعه روستایی

صنایع کوچک روستایی می‌توانند در دستیابی به سهم قابل توجهی از اهداف اقتصادی و اجتماعی توسعه روستایی مؤثر باشند. در این بخش به برخی از مهم‌ترین خصوصیات صنایع کوچک می‌پردازیم.

صنایع کوچک و متوسط از نظر صرفه‌جویی در مقیاس تولید، در بخشی از تولیدات نسبت به صنایع بزرگ برتری دارند. مطالعات نشان داده‌اند که اگر واحد تولید از حد مشخصی بزرگ‌تر شود، موجب عدم کارآیی خواهد شد. کوچک شدن واحدهای اقتصادی در کشورهای غرب و تقسیم سازمانی مؤسسات بزرگ به واحدهای مستقل کوچک، نمونه‌هایی از این قانونمندی اقتصادی به شمار می‌رود (صحرائیان، ۱۳۸۰: ۱۱۲). با توجه به جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد، به ویژه اهمیت این بخش در امر امنیت غذایی، یکی از زنجیره‌های مهم این بخش که می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از ضایعات، ایجاد تقاضا، افزایش ارزش افزوده و ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی ایفا کند، صنایع تبدیلی و تکمیلی روستایی است که عمدتاً در قالب صنایع کوچک - از نظر تعداد کارگران - ایجاد می‌شوند.

همچنین صنایع کوچک و متوسط نقش بسیار مهمی در اشتغال‌زایی به ویژه برای کارگران با مهارت محدود و زنان کم‌درآمد دارند. بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط نیروی محرکه مهمی را برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار^(۲) در راستای اهداف فقرزدایی فراهم می‌کنند. با توجه به اینکه صنایع کوچک و متوسط به طور معمول بیشتر از صنایع بزرگ به تأمین‌کنندگان محلی وابسته هستند، در نتیجه به طور غیرمستقیم باعث ایجاد فرصت‌های شغلی می‌شوند. این صنایع به سرمایه کمی به ازای هر نفر نیروی کار نیاز دارند، در حالی که چنین شرایطی عمدتاً در صنایع بزرگ فراهم نیست. در صنایع بزرگ اغلب سعی می‌شود که در فرآیند تولید از نیروی کار کمتری استفاده شود و عمدتاً این سیستم‌های کنترل و فناوری ماشینی است که روند تولید را بر عهده دارد (اکس، ۱۳۸۱: ۵۴).

سازمان توسعه صنعتی وابسته به سازمان ملل، ضمن تأکید بر فرآیند استقرار صنعت در مناطق روستایی، بیان می‌دارد که با ارتقای سرمایه‌گذاری‌های کوچک مقیاس بر پایه استفاده از منابع محلی، می‌توان اشتغال و درآمد را در روستاها بهبود بخشید. در صنایع کوچک مقیاس روستایی عموماً از کارگران با مهارت‌های محدود استفاده می‌شود. مسئله دیگر تنوع محصولات است. صنایع کوچک به سادگی و با سرعت می‌توانند در زمینه تولیدات جدید اقدام کنند. بنگاه‌های بزرگ به سبب پیروی از منطق خاص رقابتی خود حداقل در مراحل اولیه از تولیدات جدید چشم‌پوشی می‌کنند. صنایع بزرگ مجبورند هزینه‌های سنگینی را برای نگهداری مراکز بزرگ تحقیق و توسعه، هزینه‌های تبلیغات، بازاریابی و روابط عمومی متقبل شوند. چیزی که در صنایع کوچک اصولاً یا مطرح نیست و یا بسیار محدود است. سرشکن شدن این هزینه‌ها در قیمت محصولات در صنایع بزرگ سبب می‌شود تا نهایتاً قیمت بعضی از تولیدات در صنایع بزرگ، بسیار بالاتر از محصولات مشابه در صنایع کوچک باشد (اکس، ۱۳۸۱: ۱۳). شکل ۱ به‌طور خلاصه خصوصیات برجسته صنایع کوچک و هماهنگی آنها با اهداف اجتماعی و اقتصادی توسعه را نشان می‌دهد.



شکل ۱- خصوصیات صنایع کوچک در راستای اهداف اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار روستایی

منبع: یافته‌های پژوهش

چارچوب نظری

نظریه تامبوتان^(۳) در زمینه اهمیت صنعتی شدن روستاها، نظریه اقتصاد جمعی آرتور لوییس^(۴) در زمینه اهمیت صنایع کوچک روستایی و نظریه مید و لیدهلم^(۵) در زمینه اهمیت عوامل مؤثر بر فعالیت بنگاه‌ها، در چارچوب نظری این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند که در ادامه به صورت کامل‌تر به بیان آنها می‌پردازیم.

تامبوتان بر این اعتقاد است که دو عامل می‌تواند به عنوان نقاط قوت بخش صنعت در توسعه روستایی به شمار رود (افتخاری، ۱۳۸۱: ۶).

۱- محدودیت ظرفیت بخش کشاورزی (عامل فشار)

۲- وجود فرصت‌های شغلی مناسب در بخش غیرکشاورزی (عامل کشش)

وی بر این اعتقاد است که یک عملکرد متقابل پیچیده بین عرضه و تقاضای نیروی کار وجود دارد. نیروی کار روستایی به دلیل فرصت‌های مناسب‌تر در بخش‌های غیرکشاورزی که می‌تواند در قالب صنایع روستایی ایجاد گردد، جذب یک واحد تولیدی می‌شود. در چنین حالتی صنعت به عنوان یک انتخاب شغلی جایگزین مورد توجه مازاد نیروی انسانی روستا قرار می‌گیرد. از سوی دیگر ممکن است نیروی کار به دلیل عدم جوابگویی کار بخش کشاورزی به نیازهای زندگی، به سمت صنایع تبدیلی و تکمیلی کشیده شود. در چنین حالتی صنایع روستایی به عنوان یک انتخاب شغلی مکمل مورد استفاده قرار می‌گیرند. با اشتغال در بخش صنعت روستایی و افزایش درآمد، روستاییان قادر خواهند بود تا کالاهای اساسی تولیدی توسط بخش صنعت روستا را خریداری کنند. در نتیجه یک دور تقاضا، اشتغال و ایجاد درآمد به وجود می‌آید.

آرتور لویس از طرفداران استفاده از صنایع کاربر در رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه است. وی در «نظریه اقتصاد جمعی» خود بیان می‌کند که استفاده بیشتر از نیروی کار با حجم مشخصی از سرمایه فیزیکی منجر به افزایش تولید و اشتغال‌زایی می‌شود. به گفته او صنعت کوچک اجازه می‌دهد که در مصرف سرمایه صرفه‌جویی شود. در کشورهایی که توسعه کافی نیافته‌اند، سرمایه بسیار کم و نادر است و در دوره‌های اولیه اقتصادی، چنانچه این سرمایه صرف امور حمل‌ونقل، سرویس‌های اولیه همگانی، امور آبیاری، وسایل کشاورزی و یا انواع صنایع تبدیلی که در آنها امتیازات فراوان و قابل توجهی وجود دارد گردد، می‌توان از آنها منافع بی‌شماری کسب کرد. ولی در صورتی که این سرمایه با توسل به شیوه‌های نو و پرتن در صنایع کوچک به کار گرفته شود، می‌تواند بسیار مؤثرتر به شمار رود (وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۵۰: ۲۹).

در زمینه عوامل مؤثر بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی کوچک، از نظریه مید و لیدهلم استفاده می‌شود، با این تفاوت که مید و لیدهلم به بررسی وضعیت اشتغال‌زایی در

بنگاه‌های کوچک و خرد در دو دیدگاه ایستا و پویا پرداختند، ولی ما به منظور بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد و اشتغال‌زایی این بنگاه‌ها از این نظریه استفاده می‌کنیم. عوامل مؤثر بر ایجاد، گسترش یا محدود شدن بنگاه، عوامل مؤثر بر بهره‌وری بنگاه در مدت فعالیت و عوامل مؤثر بر تعطیل شدن بنگاه، هر کدام بر افزایش یا کاهش نیروی کار و فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بنگاه مؤثر است (متوسلی، ۱۳۷۹: ۲۹). به این منظور می‌توان به عوامل مؤثر بر فعالیت صنایع کوچک روستایی در هنگام تولد، در طول دوره فعالیت و احتمالاً از بین رفتن برخی از بنگاه‌ها اشاره کرد. مید و لیدهلم، عوامل مؤثر در دوره‌های مختلف عمر بنگاه‌های کوچک در برخی کشورهای جنوب آفریقا را به شرح زیر می‌دانند: الزامات سرمایه اولیه، تجربه سرمایه‌گذار، نوع مقررات شروع کسب‌وکار جدید، سن بنگاه، قوانین حاکم، اندازه اولیه بنگاه، موقعیت و مکان بنگاه، نوع تولیدات بنگاه، محدودیت‌های مالی، کمبود تقاضا، کمبود سرمایه.

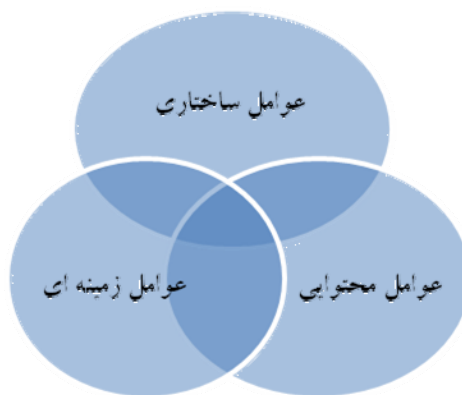
بر اساس تحقیق میدانی انجام شده در سال ۱۹۹۴ در ۷۸ کشور جهان که بانک وست‌مینستر انگلستان^(۶) انجام داد، مشکلات اصلی صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف عمدتاً حول ۱۲ مورد زیر بیان شد: مباحث مالی، تشریفات قانونی و طولانی بودن گردش قوانین، قوانین کارگری، بازاریابی و فروش تولیدات صنایع کوچک، فناوری و فرسودگی ماشین‌آلات، کمبود نیروی انسانی ماهر، ضعف مدیریتی، عدم اجرای قوانین، عدم حمایت‌های بین‌المللی از صنایع کوچک، وجود قوانین غیرمنطقی و بازدارنده توسعه صنایع کوچک، مالیات‌های بازدارنده و ضد توسعه صنایع کوچک، کمبود اطلاعات و نبود نظام‌های اطلاع‌رسانی کارآمد (نبی‌زاده، ۱۳۷۹: ۷۲۹).

مجمع جهانی صنایع کوچک و متوسط در هندوستان^(۷)، اهم مشکلات صنایع کوچک در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را بدین شرح بیان کرده است: موانع فرهنگی و عدم شناخت اهمیت صنایع کوچک، دید محدود و غلط افراد دولتی و سیاست‌گذاران، ضعف مدیریت‌ها و ناتوانی کارآفرینان در انجام رقابت‌های سالم و فراگیر، کمبود نیروی انسانی مهارت دیده در صنایع کوچک، فرسودگی و ناکارآمدی

بودن فناوری‌های موجود در کشورها، نامتناسب بودن سازمان‌های موجود با اهداف توسعه، کمبود سرمایه و توان مالی، ناتوانی حضور مستمر در بازارهای جهانی، عدم اجرای قوانین در کشورها، فقدان انجمن‌ها و تشکل‌های صنعتی فعال و کارآمد در کشورها (مولایی، ۱۳۸۲: ۳۱).

- سازمان صنایع کوچک ایران مشکلات خاص صنایع کوچک و متوسط در ایران را به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌کند: (سازمان صنایع کوچک ایران، ۱۳۸۰: ۳)
- ۱- ضعف نهادهای جمعی و تشکل‌های حرفه‌ای که بتوانند واحدهای کوچک را در زمینه اتخاذ راهکارهای مناسب راهنمایی کنند. وجود این گونه نهادها به ویژه در فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای دستیابی به بازارهای صادراتی الزامی است؛
 - ۲- وجود محدودیت‌های مختلف در دستیابی به تسهیلات اعتباری و وام‌های بانکی با توجه به این واقعیت که مبالغ زیادی از این گونه تسهیلات در اختیار واحدهای بزرگ قرار می‌گیرد؛
 - ۳- عدم دسترسی به اطلاعات صحیح و کافی در زمینه‌های مختلف از جمله نوع و میزان سرمایه‌گذاری، انتخاب مکان و ماشین‌آلات مناسب، اطلاع از قراردادهای فرعی و پیمانکاری با واحدهای بزرگ و اطلاع از تغییرات فناوری؛
 - ۴- محدود بودن تجربه و توانایی‌های اکثر مدیران واحدهای کوچک به امر مستقیم تولید و نداشتن توانمندی‌های لازم در امور مدیریت یک کسب‌وکار سودآور؛ از جمله بی‌اطلاعی از برنامه‌ریزی مالی برای شروع یک پروژه، چگونگی تخصیص منابع مالی به فعالیت‌های مختلف در زمان تولید، نداشتن درک صحیح از اهمیت فروش و توزیع و حس نکردن نیاز به ارتقای توانایی‌های مدیریتی به طور مستمر؛
 - ۵- فراهم نبودن زمینه برای آموزش و ایجاد مهارت در نیروی کار به دلیل نرخ بالای جابه‌جایی شغلی خصوصاً در زمینه نیروهای توانمند و متخصص. در این زمینه می‌توان به مشکلات ناشی از قانون کار برای واحدهای کوچک نیز اشاره کرد؛
 - ۶- نبود نظام پشتیبانی از کارآفرینی و نوآوران.

در این تحقیق عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک روستایی و اولویت‌بندی آنها از دید کارشناسان توسعه روستایی ایران، به سه دسته عوامل ساختاری، زمینه‌ای و محتوایی دسته‌بندی شده‌اند. همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده، این عوامل ممکن است در برخی موارد با یکدیگر همپوشانی داشته باشند.



شکل ۲- عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک روستایی

منظور از عوامل ساختاری، همه عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی بنگاه اقتصادی کوچک هستند که قالب یا بدنه سازمان را می‌سازند. عوامل محتوایی، عناصر زنده بنگاه اقتصادی هستند؛ انسان یا روابط انسانی که با ارتباطات رسمی و غیررسمی با یکدیگر مرتبط شده‌اند. عوامل زمینه‌ای تمام شرایط و عوامل محیطی و برونی بنگاه اقتصادی هستند که مستقیم یا غیر مستقیم بر عملکرد بنگاه اقتصادی تأثیر می‌گذارند.

شاخص‌های عوامل ساختاری در این بررسی عبارت بودند از: کمبود سرمایه، کمبود تقاضا برای تولیدات، عدم وجود منابع مالی جهت تضمین قراردادهای پیمانی، عدم دسترسی به فناوری کارآمد و فرسودگی ماشین‌آلات واحدهای تولیدی کوچک روستایی، هزینه‌های بازاریابی و فروش، هزینه‌های انبارداری، کمبود تسهیلات مالی، عدم اتصال به بنگاه‌های بزرگ‌تر، نوسان قیمت مواد اولیه مورد نیاز واحدهای کوچک، و عدم دسترسی به مواد اولیه مورد نیاز روستاییان.

شاخص‌های عوامل محتوایی شامل این موارد بودند: کمبود نیروی انسانی مهارت دیده، ضعف مدیریت (جذب، آموزش، توسعه و نگهداری) نیروی انسانی، نبود روحیه مشارکت در میان بیشتر روستاییان، وجود روحیه وابستگی شدید به دریافت یارانه‌های دولتی در بین روستاییان، پایین بودن میزان تحصیلات در بین متقاضیان راه‌اندازی کسب و کار کوچک، عدم اجرای قوانین کار و تأمین اجتماعی در بیشتر بنگاه‌های اقتصادی کوچک از طرف کارفرما، ناتوانی کارآفرینان روستایی در انجام رقابت‌های سالم و فراگیر در مقایسه با تولیدات بنگاه‌های اقتصادی شهری، ناتوانی مدیران بنگاه‌ها در اتخاذ تصمیمات صحیح و به موقع در هنگام تغییر در نیاز بازار، محدودیت فرهنگ کار در بین برخی از روستاییان، عدم آشنایی با مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در بین مدیران بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستایی.

شاخص‌های عوامل زمینه‌ای در روستاها نیز بدین شرح مورد بررسی قرار گرفتند: موانع فرهنگی و عدم شناخت اهمیت صنایع کوچک، مالیات‌های بازدارنده و ضد توسعه صنایع کوچک، وجود قوانین غیرمنطقی و بازدارنده توسعه صنایع کوچک، اعمال برخی شرایط سخت برای کارفرما از طرف قوانین کار و تأمین اجتماعی، دید محدود برخی افراد دولتی و سیاست‌گذاران نسبت به بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستایی، فقدان انجمن‌ها و تشکل‌های صنعتی فعال و کارآمد در زمینه صنایع موجود در روستاها، ناتوانی صنایع کوچک روستایی در حضور مستمر در بازارهای ملی، تشریفات قانونی و طولانی بودن گردش قوانین برای تأسیس واحدهای تولیدی صنایع کوچک روستایی، مشکلات رقابت با اجناس چینی در صنایع تکمیلی و تبدیلی، و پایین بودن سطح سواد عمومی در روستاها.

پرسش‌های تحقیق

از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی ایران:

۱- عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی کوچک در روستاهای ایران کدام‌اند؟

- ۲- کدام یک از ابعاد ساختاری، زمینه‌ای و محتوایی بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی کوچک در ایران تأثیر بیشتری دارد؟
- ۳- کدام یک از شاخص‌های ساختاری بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی کوچک در ایران تأثیر بیشتری دارد؟
- ۴- کدام یک از شاخص‌های محتوایی بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی کوچک در ایران تأثیر بیشتری دارد؟
- ۵- کدام یک از شاخص‌های زمینه‌ای بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی کوچک در ایران تأثیر بیشتری دارد؟

روش شناسی

در این تحقیق از روش پیمایشی^(۸) توصیفی و از تکنیک انجام مصاحبه حضوری و تکمیل پرسشنامه با کارشناسان مسائل توسعه روستایی ایران استفاده می‌شود. روش کتابخانه‌ای، با استفاده از کتاب‌ها، نشریات، مقالات داخلی، مقالات خارجی و سایت‌های اینترنتی معتبر برای مطالعه ادبیات موضوع، بررسی پیشینه تحقیق و مبانی نظری مورد استفاده قرار گرفته است.

کارشناسان مسائل توسعه روستایی ایران نیز شامل ۳۰ نفر از مدیران و کارشناسان دستگاه‌های ستادی شامل وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنایع و معادن، و اساتید دانشگاه با تخصص توسعه روستایی هستند که به مسئله بنگاه‌های اقتصادی کوچک در روستاهای ایران اشراف کافی داشته باشند.

برای پردازش داده‌ها و اجرای آزمون‌های آماری و... از نرم‌افزار SPSS^(۹) استفاده شده است.

بررسی داده‌های تحقیق

در این بخش به توصیف داده‌ها و بررسی پرسش‌های تحقیق می‌پردازیم. برای محاسبه هر یک از ابعاد ساختاری، زمینه‌ای و محتوایی، شاخص‌های مربوط به هر بعد با ضریب

برابر با یکدیگر جمع شده‌اند. دلیل اینکه این ضرایب برابر در نظر گرفته شدند، عدم وجود تحقیق قابل استناد در زمینه اولویت‌بندی و میزان اهمیت هر یک از این شاخص‌هاست.

برای محاسبه مجموع نمرات کسب شده در بعد ساختاری، نمرات شاخص‌های عوامل ساختاری با یکدیگر جمع شده‌اند.

در بعد ساختاری ۵۳/۳ درصد از پاسخگویان تأثیر شاخص‌های مربوط به بعد ساختاری را بر موفقیت بنگاه‌های اقتصادی کوچک زیاد، ۲۰ درصد متوسط و ۲۶/۷ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. میانگین بعد ساختاری برابر ۳۵/۷۳ برآورد شده است (جدول ۱).

جدول ۱- ارقام توصیفی بعد ساختاری

درصد	تعداد	بعد ساختاری
۲۶/۷	۸	کم
۲۰	۶	متوسط
۵۳/۳	۱۶	زیاد
۱۰۰	۳۰	جمع کل

منبع: یافته‌های پژوهش

در بعد محتوایی، ۳۳/۳ درصد از پاسخگویان تأثیر شاخص‌های مربوط به بعد محتوایی را بر موفقیت بنگاه‌های اقتصادی کوچک زیاد، ۱۶/۷ درصد متوسط و ۵۰ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. میانگین بعد ساختاری برابر ۳۴/۵۳ برآورد شده است (جدول ۲).

جدول ۲- ارقام توصیفی بعد محتوایی

درصد	تعداد	بعد محتوایی
۵۰	۱۵	کم
۱۶/۷	۵	متوسط
۳۳/۳	۱۰	زیاد
۱۰۰	۳۰	جمع کل

منبع: یافته‌های پژوهش

در بعد زمینه‌ای، ۴۳/۳ درصد از پاسخگویان تأثیر شاخص‌های مربوط به بعد زمینه‌ای را بر موفقیت بنگاه‌های اقتصادی کوچک زیاد، ۲۶/۷ درصد متوسط و ۳۰ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. میانگین بعد ساختاری برابر ۳۶/۱۰ برآورد شده است (جدول ۳).

جدول ۳- ارقام توصیفی بعد زمینه‌ای

درصد	تعداد	بعد زمینه‌ای
۳۰	۹	کم
۲۶/۷	۸	متوسط
۴۳/۳	۱۳	زیاد
۱۰۰	۳۰	جمع کل

منبع: یافته‌های پژوهش

کارشناسان شاخص‌های بعد ساختاری را به ترتیب زیر اولویت‌بندی کردند:

۱- کمبود سرمایه؛

۲- نوسان قیمت مواد اولیه مورد نیاز واحدهای کوچک؛

۳- کمبود تسهیلات مالی؛

- ۴- نبود منابع مالی جهت تضمین قراردادهای پیمانی در روستا؛
- ۵- عدم دسترسی به فناوری کارآمد و فرسودگی ماشین‌آلات واحدهای تولیدی کوچک روستا؛
- ۶- عدم اتصال به بنگاه‌های بزرگ‌تر؛
- ۷- هزینه‌های بازاریابی و فروش تولیدات صنایع کوچک؛
- ۸- کمبود تقاضا برای تولیدات بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستایی؛
- ۹- عدم دسترسی به مواد اولیه مورد نیاز روستاییان؛
- ۱۰- هزینه‌های انبارداری.

کارشناسان کمبود میزان سرمایه جهت راه‌اندازی بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستایی را از مهم‌ترین عوامل ناکامی صنایع کوچک روستایی دانسته‌اند. گرچه صنایع کوچک به سرمایه اندکی به ازای هر نفر نیروی کار نیاز دارد، اما در روستاهای ایران امکانات و منابع مالی محدودی برای سرمایه‌گذاری وجود دارد. جذب سرمایه‌های دولتی در روستاها با دشواری انجام می‌شود. تعداد مؤسسات وام‌دهنده در روستاها بسیار اندک است و این مسئله امکان جذب سرمایه‌های مخاطره‌پذیر در بسیاری از مناطق روستایی را با مشکل مواجه کرده است. علاوه بر این فاصله زیاد میان برخی از مناطق روستایی با شهرهای مجاور، دسترسی روستاییان را به منابع سرمایه دشوار کرده است. همچنین راه‌اندازی و اداره کسب‌وکار، آن هم در شرایط دشوار رقابت، با مخاطره زیادی همراه است. محدودیت امکانات و منابع در روستاها سبب می‌شود تا صاحبان صنایع کوچک روستایی در اقداماتی که نیاز به مخاطره‌پذیری بالایی دارد، محافظه‌کارانه‌تر برخورد کنند تا از لطمات احتمالی پیشگیری کنند.

به نظر کارشناسان، نوسان قیمت مواد اولیه مورد نیاز واحدهای کوچک روستایی، دومین عامل تأثیرگذار بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستایی است. بنگاه‌های کوچک و متوسط مواد خام خود را در مقادیر کم خریداری، و در نتیجه هزینه بیشتری برای آن پرداخت می‌کنند. بنابراین قیمت تمام شده تولیدات آنها، بسیار بیشتر از

واحدهای بزرگ است و از این رو در موقعیت رقابتی آنها در بازار اثر می‌گذارد. مشکل زمانی بزرگ جلوه می‌کند که صنایع کوچک و متوسط مجبور به وارد کردن کالاهای خام از خارج باشند، زیرا تأمین‌کنندگان خارجی، مواد اولیه را به مقادیر کم نمی‌فروشند و اگر هم این کار را انجام بدهند، قیمت بیشتری مطالبه می‌کنند (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۱۳۸۴: ۲۸۳).

اولویت‌بندی شاخص‌های بعد محتوایی از دید کارشناسان به ترتیب زیر بود:

- ۱- ضعف مدیریت در بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستاها؛
- ۲- پایین بودن میزان تحصیلات در بین متقاضیان راه اندازی کسب و کار کوچک در روستاها؛
- ۳- عدم آشنایی با مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در بین مدیران بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستایی؛
- ۴- نامتناسب بودن سازمان‌های موجود با اهداف توسعه در واحدهای اقتصادی کوچک روستایی؛
- ۵- کمبود نیروی انسانی مهارت دیده در صنایع کوچک روستایی؛
- ۶- ناتوانی کارآفرینان روستایی در انجام رقابت‌های سالم و فراگیر در مقایسه با تولیدات بنگاه‌های اقتصادی شهری؛
- ۷- وجود روحیه وابستگی شدید به دریافت یارانه‌های دولتی در بین روستاییان؛
- ۸- نبود روحیه مشارکت در بین اکثر روستاییان؛
- ۹- محدودیت فرهنگ کار در بین برخی از روستاییان؛
- ۱۰- عدم اجرای قوانین کار و تأمین اجتماعی در اکثر بنگاه‌های اقتصادی کوچک در روستاها از طرف کارفرما.

بازارهای محلی و منطقه‌ای معمولاً محدود و کوچک هستند و کسب‌وکارهای روستایی ناچارند به دنبال بازارهایی در خارج از نواحی روستایی و مناطق اطراف خود باشند. همچنین امروزه آموزش نیروی انسانی از مهم‌ترین اصول مدیریتی محسوب

می‌شود که انعطاف‌پذیری بنگاه اقتصادی در تغییر فناوری یا محصول بنگاه را امکان‌پذیر می‌سازد. در این راستا مدیران بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستایی باید بر مهارت‌های مدیریتی جذب، آموزش و به‌کارگیری صحیح نیروی انسانی تسلط داشته باشند. ولی متأسفانه از آنجا که بیشتر متقاضیان راه‌اندازی صنایع کوچک روستایی از سطح سواد پایینی برخوردارند، ضعف مدیریتی از جمله عوامل تأثیرگذار بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی کوچک محسوب می‌شود.

کارشناسان اولویت شاخص‌های بعد زمینه‌ای را به ترتیب زیر تعیین کردند:

- ۱- فقدان انجمن‌ها و تشکل‌های صنعتی فعال و کارآمد در زمینه صنایع موجود در روستاها؛
 - ۲- ناتوانی صنایع کوچک روستایی در حضور مستمر در بازارهای ملی؛
 - ۳- تشریفات قانونی و طولانی بودن گردش قوانین برای تأسیس واحدهای تولیدی صنایع کوچک روستایی؛
 - ۴- مشکلات رقابت با اجناس چینی در صنایع تکمیلی و تبدیلی؛
 - ۵- دید محدود برخی افراد دولتی و سیاست‌گذاران نسبت به بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستایی؛
 - ۶- پایین بودن سطح سواد عمومی در روستاها؛
 - ۷- اعمال برخی شرایط سخت برای کارفرما از طرف قوانین کار و تأمین اجتماعی؛
 - ۸- موانع فرهنگی و ناآشنایی با اهمیت صنایع کوچک در روستاها؛
 - ۹- وجود قوانین غیرمنطقی و بازدارنده توسعه صنایع کوچک در روستاها؛ و
 - ۱۰- مالیات‌های بازدارنده و ضد توسعه صنایع کوچک در روستاها.
- تعداد مراکز دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی در روستاها به مراتب کمتر است. این امر مشکل عمده‌ای بر سر راه توسعه کسب‌وکارهای کوچک روستایی قرار داده است. علاوه بر این تعداد مراکز حمایت‌کننده از کارآفرینان در روستاها کمتر است. همچنین یکی از مهم‌ترین خصوصیات بنگاه‌های اقتصادی کوچک که سبب توجه خاص به این

بنگاه‌ها شده، انعطاف‌پذیری آنهاست. اما تأکید بر یک یا چند نوع کسب‌وکار یا صنعت خاص در هر منطقه روستایی مانع از تنوع اقتصادی در جوامع روستایی می‌شود و نوآوری در صنایع کوچک را با مشکلاتی مواجه می‌سازد. برای حضور در بازارهای ملی، صنایع کوچک و متوسط دائماً باید درباره برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی اطلاعات لازم را کسب و برای شرکت در این نمایشگاه‌ها اقدام کنند. هزینه‌های بازاریابی و تبلیغات محصولات برای هر دو گروه صنایع کوچک و بزرگ یکسان است. صنایع کوچک برای اجاره واحدهای تبلیغاتی در نمایشگاه‌ها هیچ‌گونه امکانات خاصی در اختیار ندارند.

پیشنهادها

در این تحقیق مشخص شد که از دید کارشناسان توسعه روستایی ایران، کمبود سرمایه، نوسان قیمت مواد اولیه مورد نیاز واحدهای کوچک، ضعف مدیریت در بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستاها، پایین بودن میزان تحصیلات در بین متقاضیان راه اندازی کسب و کار کوچک در روستاها، فقدان انجمن‌ها و تشکل‌های صنعتی فعال و کارآمد در زمینه صنایع موجود در روستاها و ناتوانی صنایع کوچک روستایی در حضور مستمر در بازارهای ملی، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های اقتصادی کوچک ایران به شمار می‌روند؛ از این رو، پیشنهادهایی برای رفع این مسائل به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- ایجاد مراکز مشاوره مدیریت صنایع کوچک روستایی: گرچه بنگاه‌های اقتصادی کوچک روستایی از قابلیت‌های خاصی برخوردارند که با استفاده از آنها می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا داشته باشند، اما به‌کارگیری این قابلیت‌ها نیاز به مدیریتی پویا و مسلط دارد تا با بهره‌گیری از ابزارهای موجود، ضعف‌ها و تهدیدها را تبدیل به نقاط قوت و فرصت نماید. فقدان مهارت‌های مدیریتی در بین مدیران بنگاه‌ها از عمده‌ترین مسائل صنایع کوچک روستایی ایران

بیان می‌شود. در حال حاضر واحدهای مشاوره فعال در دستگاه‌های دولتی مربوطه به کارفرمایان بنگاه‌های اقتصادی کوچک مشاوره می‌دهند، ولی این مشاوره معمولاً مقطعی و در زمان تأسیس بنگاه، به صورت داوطلبانه با درخواست مدیران بنگاه صورت می‌گیرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود تا هر بنگاه اقتصادی صنعتی روستایی، یک مشاور فعال در دستگاه‌های دولتی مربوطه داشته باشد. این مشاوران می‌توانند با مراجعه ماهانه یا در فاصله‌های زمانی مشخصی که مورد نیاز بنگاه است، به ارزیابی عملکرد مدیران و ارائه انتقادات و پیشنهادهای مناسب بپردازند. جهت تشویق مدیران صنایع کوچک روستایی به همکاری با مشاوران، می‌توان از تعداد موارد مراجعه مدیر به آنان به عنوان معیاری برای ارائه تسهیلات و کمک به بنگاه‌ها استفاده کرد.

۲- راه اندازی طرح جایزه ملی برای تشویق مدیران بنگاه‌های اقتصادی کوچک: امروزه جهت دستیابی به اهداف اقتصادی و حتی اجتماعی از رویکرد جایزه به جای یارانه استفاده می‌شود. هم اکنون برای بنگاه‌های اقتصادی کوچک ایران هیچ الگوی نشان‌دهنده عملکرد صحیح این بنگاه‌ها که برگرفته از انجام کارکردهای آنها باشد، وجود ندارد. سازمان‌های وابسته می‌توانند با فاصله‌های زمانی مشخص به معرفی بهترین بنگاه اقتصادی کوچک روستایی بپردازند و با در نظر گرفتن جایزه ملی برای بنگاه یادشده، ضمن شناساندن بنگاه به سایر مدیران صنایع کوچک روستایی، دلایل موفقیت یا راهبرد بنگاه برنده را به عنوان الگوی کار سایر بنگاه‌ها ارائه کنند. از آنجا که ممکن است ارائه یک الگوی مشخص جهت ارزیابی تمام بنگاه‌ها با زمینه فعالیت متفاوت امکان‌پذیر نباشد، پیشنهاد می‌شود تا چنین طرحی در هر صنف و زمینه تولیدی مشخص به صورت جداگانه انجام پذیرد.

۳- نتایج تحقیق نشان داد که کارشناسان کمبود میزان سرمایه و نوسان قیمت مواد اولیه مورد نیاز واحدهای کوچک را مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی کوچک در بعد ساختاری می‌دانند. همان‌طور که در متن مقاله هم اشاره شد،

صنایع کوچک مواد اولیه را در مقادیر کم خریداری می‌کنند و در نتیجه هزینه بیشتری برای آن می‌پردازند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود تا تعاونی‌هایی جهت تأمین مواد اولیه، مواد لازم جهت بسته‌بندی (خصوصاً در تعاونی‌های روستایی)، مواد مکمل مانند برخی افزودنی‌ها در صنایع خوراکی و مانند آن ایجاد شوند. در این صورت بنگاه‌های صنعتی کوچک روستایی می‌توانند با همکاری صنایع شهری، مواد اولیه را در حجم بالاتر از طریق تعاونی‌های مربوطه خریداری کنند.

یادداشت‌ها

- ۱- بنگاه‌های کوچک و متوسط مورد نظر این تحقیق برابر تعریف مرکز آمار ایران به صورت زیر تعریف می‌شود: «بنگاه‌های اقتصادی با نوع فعالیت تولیدی (صنعت- ساخت) و با تعداد کارکن (اعم از تولیدی و خدماتی) بین ۱۰ تا ۴۹ نفر» (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰: ۷).
- ۲- امروزه اکثر اقتصاددانان متفق‌القول‌اند که رشد اقتصادی که بتواند فقر، نابرابری و بیکاری را کاهش دهد در روند توسعه هر کشور بسیار مهم و حیاتی است و می‌تواند به توسعه پایدار منجر شود.
3. Tamboutan
4. Arthur Lewis
5. Mead and Liedholm
6. National West Minister Bank in England
7. World Association of Small-Medium Enterprises (WASME)
8. Survey
9. Statistical Package for Social Sciences

منابع

- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین و طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۱)، «استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی». مسیر. دوره ۶، شماره ۲.
- اکس، زولتان جی؛ توریک، روی و کارلسون، بو (۱۳۸۱)، *نقش صنایع کوچک در اقتصاد مدرن*. ترجمه جهانگیر مجیدی. تهران: رسا.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۸۳)، *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران*. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) (۱۳۸۴)، *سنداستراتژی افزایش مشارکت مؤثر و رقابتی بخش صنایع کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی و صنعتی ایران*. ترجمه عبدالرضا شقاقی. تهران: رسا.

- سازمان صنایع کوچک ایران (۱۳۸۰)، *سیاست‌های موفق توسعه صنایع کوچک در ۲۰ کشور صنعتی و در حال توسعه*. تهران: انتشارات سازمان صنایع کوچک ایران.
- شورای عالی اطلاع‌رسانی (۱۳۸۰) *مجموعه مقالات همایش نقش فناوری اطلاعات در اشتغال*. تهران: سازمان همیاری اشتغال فارغ‌التحصیلان.
- صحرائیان، سیدمهدی (۱۳۸۰)، *سازمان‌دهی صنایع کوچک در ایران*. تهران: هدف.
- متوسلی، محمد (۱۳۷۹)، *نقش کارگاه‌های کوچک در ایجاد اشتغال و تنظیم بازار کار در بخش صنعت*. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۰)، *سرشماری کارگاهی سال ۱۳۷۹ ایران*. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، «*سالنامه آماری کشور ۱۳۸۵*». قابل دسترسی در: www.sci.org.ir
- مولایی، محمد (۱۳۸۲)، *ارزیابی عوامل مؤثر بر سودآوری و عملکرد صنایع کوچک در ایران*. پایان‌نامه دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- نبی‌زاده، حمیدرضا (۱۳۷۹)، *جایگاه صنایع کوچک در توسعه صنعتی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی. تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.
- وزارت صنایع (۱۳۷۲)، *مجموعه مقالات سمینار نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی در توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور*. تهران: وزارت صنایع.
- وزارت کار و امور اجتماعی (۱۳۵۰)، *در خدمت صنایع کوچک*. نشریه شماره ۶۴. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.